



تسهیل‌گری اسلام در جهت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان؛ نگرشی جدید به بستر نهادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

امیرعلی سیف‌الدین^{۱*}، امیرحسین رهبر^۲

۱- استادیار دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه تهران

چکیده

برساخته‌ای به نام اقتصاد دانش‌بنیان در دهه‌های اخیر در بین دولتمردان، کنشگران اقتصادی و دانشگاهیان علاقه‌مند به مباحث توسعه اقبال فراوانی را به خود معطوف کرده‌است و صرف‌نظر از برخی چالش‌های نظری، ریشه در درکی عمیق از اهمیت دانش در خلق ارزش اقتصادی دارد. این مقاله بر آن است تا با نگاهی نهادگرایانه به اقتصاد، به کندوکاو ظرفیت‌های دین مبین اسلام در جهت کارکردهای اساسی اقتصاد دانش‌بنیان (به خصوص در عرصه نهادهای غیر رسمی و فرهنگی) بپردازد. رویکرد این نوشتار، تطبیقی، تحلیلی و بدیهه‌گرایی است. در نهایت روشن گردید که اقتصاد اسلامی یک اقتصاد دوستدار دانش است و در این راستا تشویق‌ها و تجویزهای فراوانی دارد و به خصوص در چرخه‌های گریزی از تنگناهای فرهنگی که مدیریت دانش و اقتصاد دانش‌بنیان با آن روبه‌روست ارائه می‌دهد. خوشبختانه با اتکا به ظرفیتهای اسلام، می‌توان یک گام به پیش برداشت و ادعا کرد که بسط روحیه پرسشگری، تفکر و نقادی توسط اسلام می‌تواند در حرکت از جامعه‌ی اطلاعات بنیاد به جامعه‌ی دانش‌بنیاد (در معنای دقیق کلمه) که می‌توان آن را حکمت‌بنیان نیز نامید مفید است. لذا همانقدر که پرداختن به بانکداری بدون ربا و امثال ذلک در نیل به اقتصاد اسلامی (به عنوان یک فناوری نرم) مهم است، به همان اندازه نیز استفاده از ظرفیتهای نهادی اسلام در دانش‌پایگی اقتصاد اهمیت دارد و می‌تواند در دنیای واقعی ارزش آفرین باشد.

کلیدواژه‌ها: علم، حکمت، مدیریت دانش، اقتصاد دانش‌بنیان، اسلام

۱- مقدمه

متفاوتی برای توسعه کشورها ارائه شد و تلاش شد رشد بلند مدت با تأکید بر نقش عوامل دانشی بازنگری شود و این به تولد مفهومی انجامید که این روزها اقتصاد دانش^۱ یا اقتصاد دانش‌بنیان^۲ نامیده می‌شود [۲]. علاقمندان پر شمار این مفهوم معتقدند که جهان پس از پشت سر گذاردن دو پارادایم فراگیر اقتصاد کشاورزی و اقتصاد صنعتی، هم‌اکنون وارد پارادایم سوم که همانا اقتصاد دانش و اطلاعات می‌باشد، شده است و

دستیابی به رشد اقتصادی بالا یکی از اولویتهای مهم سیاست‌گذاری در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در بیشتر کشورها به ویژه در کشورهای در حال توسعه بوده‌است. هدف نظریه‌های رشد اقتصادی تبیین عوامل موثر بر رشد و تفاوت نرخ رشد کشورهاست. با آغاز دهه نود میلادی مبنای

1- KE: Knowledge Economy

2- KBE: Knowledge based Economy

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: saifoddin@ut.ac.ir

تسهیل‌گری اسلام در جهت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان؛ نگرشی جدید به بستر نهادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۲- مروری بر مفاهیم پایه

قبل از ورود به بحث اصلی لازم است که بعضی از مفاهیم ضروری معرفی شوند.

۲-۱ چستی دانش

تاکنون اجماعی در مورد ماهیت دانش^۱ حاصل نشده است. در تاریخ بشری نیز چنین اجماعی وجود ندارد. بسیاری از افراد هنگام بحث پیرامون مدیریت دانش یا اقتصاد دانش‌بنیان ترجیح می‌دهند که از پرداختن به تعاریف متنوعی که از دانش شده صرف نظر کنند زیرا آن را یک امر بی‌فایده و دست‌وپاگیر می‌دانند [۵]. نگارندگان این مقاله با آنکه با این نظر ایشان موافق نیستند ولی پرداختن به چنین مقوله‌ای را شایسته پژوهش‌های فلسفه علم می‌دانند. منبع پیشین، با یک تقسیم‌بندی از تعاریف مختلف دانش در غالب نظریه سه جهان پوپر، فضای بحث را تا حد زیادی برای علاقمندان روشن ساخته است و لذا علاقمندان را به رجوع به آن منبع دعوت می‌کنیم و از بین انبوه تعاریف، صرفاً به دو تعریف که سازگاری بیشتری با مضمون این مقاله دارد اشاره می‌نماییم؛ تعریف اول از عقل‌گرایان نقاد^۲، به وضوح شامل پوپر و علاقمندان است که البته در ارائه یک تعریف عام از علم پیشتاز هستند. از نظر آنان هر برساخته‌ایی که به نیازهای معرفتی انسان پاسخ‌گوید، علم است. این تعریف در مقابل تعریف ایشان از فناوری قرار دارد که به هر برساخته‌ای اطلاق می‌شود که به نیازی غیر معرفتی پاسخ گوید [۶]. تعریف دوم به وسیله انجمن حوزه یادگیری سازمانی مورد توجه قرار گرفته است و دانش را ظرفیت انجام اثربخش اقدام تعریف می‌کند [۵].

۲-۲ اقتصاد دانش‌بنیان؛ تعاریف و رویکردها

مفهوم اقتصاد مبتنی بر دانش اولین بار در سال ۱۹۹۵ توسط سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۳ مطرح شد. در گزارش تکمیلی این سازمان در سال ۱۹۹۶، اقتصاد دانش چنین تعریف

اگرچه زمین و کارخانه هنوز دو عامل مهم محسوب می‌شوند، اما در عصر کنونی مزیت مهم و منحصر به فرد، سرمایه دانش محسوب می‌شود. از ویژگی‌های مهم عصر دانش این است که نیروی کار شامل دانش‌کارانی است که سرمایه اصلی آنها اطلاعات می‌باشد و فرد توانگر به کسی گفته می‌شود که دانش (کاربردی) بیشتری داشته باشد [۳].

مقوله اقتصاد اسلامی چندین دهه است که ذهن اندیشمندان مسلمان ایرانی^۱ و خارجی^۲ را به خود مشغول داشته است. صرف نظر از برخی ابهاماتی که در مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان وجود دارد (که البته ذیلاً به بخشی از آنها اشاره می‌شود)، نویسندگان این مقاله تصور می‌کنند برساخته شدن مفهومی به نام اقتصاد دانش‌بنیان، فرصت بی‌بدیلی را برای ظهور و بروز قابلیت‌های نهادی^۳ اسلام در علم‌وفن‌پروری مهیا نموده است. در همین راستا، این پژوهش به دنبال آن هست که نشان دهد اقتصاد اسلامی یک اقتصاد دوستدار دانش می‌باشد. لذا در این مقاله از پنجره اسلام به مفهوم نوظهور اقتصاد دانش‌بنیان نگریسته شده و بخشی از آیات و روایات را به همراه نظرات برخی از متأهین مرور و جمع‌بندی می‌شود^۴. تحقیقی که پیش‌روی شماست، از دید هدف از نوع نظری و از دید روش از نوع تحلیلی^۵ است. رویکرد نوشتن مقاله تطبیقی^۶ و بدیهه‌گرایی^۷ است.

۱- به عنوان نمونه رک فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۲- به عنوان نمونه مجله اقتصاد اسلامی، ریاض، جامعه الملک عبدالعزیز و... [۴]

۳- بنابر تعریف یکی از نهادگرایان برجسته معاصر به نام نورث، نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند، یا به عبارتی سنجیده‌تر قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر- البته مامعتقد به قوانین الهی نیز هستیم- که تعاملات انسانی را ساختارمند می‌کنند. آنها محدودیت‌های رسمی (قواعد، قوانین، قانون اساسی) و غیر رسمی (هنجارهای رفتاری، رسوم، دستورالعمل‌های رفتاری خود تحمیل‌شونده) را شامل می‌شوند و از خصلت ضمانت اجرا برخوردارند.

۴- البته از لابلای سطور این مقاله برخی از علل پیشرفتهای علمی خیره‌کننده ایران اسلامی در سالیان اخیر نیز مشهود است.

۵- این واژه در مقابل "تجربی" به کار می‌رود. در حقیقت اگر برای داورِ دعوای مطروحه در تحقیق به محک تجربه متوسل نشوید بلکه از تحلیل‌های منطقی بهره ببرید، آن را تحلیلی می‌نامید. از آنجا که مسلمانان وحی و به تبع آن "کتاب و حدیث" را نیز منابع معتبر شناخت می‌دانند، ارجاع به آنان نیز پذیرفتنی خواهد بود.

6- Comparative research:

در این شیوه از تحقیق به همسنجی سنتها، فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف می‌پردازند.

7- Adhocism:

اصطلاحی که چارلز جنکز - تاریخ‌شناس معماری- برای توصیف طرحی که نه حاصل ترکیب راه‌حل‌های جدید، بلکه حاصل تلفیق و ترکیب عناصر موجود برای دستیابی به نتیجه‌ای جدید است، جعل نمود.

۸- با این قید که در این مقاله اولاً علم و دانش مترادف فرض می‌شوند مگر آنکه صراحتاً بر تمایزشان تأکید گردد و ثانیاً از تفاوت‌های احتمالی که بین کلید واژه‌هایی همچون اقتصاد دانش، اقتصاد مبتنی دانش، اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصاد تحریک‌شونده به وسیله دانش و... وجود دارد صرف‌نظر می‌گردد.

9- Critical Rationalist

10- OECD

انتقال دانش است که اقتصاد دانش بنیان را شکل می‌دهد. اقتصاد دانش محور اقتصادی است که در آن دانش کد شده ارسال و توزیع می‌شود.

در این میان رویکرد پنجمی نیز وجود دارد که به صورت شفاف از اقتصاد دانش بنیان نام نمی‌برد و اقتصاد یادگیرنده را به عنوان بدیل آن مطرح می‌کند؛ به زعم این گروه، دانش همواره در فعالیتهای اقتصادی مهم بوده و از این رو اقتصاد دانش محور ناظر به تغییر بنیادی در سازوکارهای اقتصادی نیست بلکه بیشتر ناظر بر تکامل فهم بشر از این سازوکارهاست. به گونه‌ای که بتواند در پرتو در نظر گرفتن دانش به عنوان یک متغیر مهم، تبیین بهتری از نیروهای پیشران اقتصادی ارائه دهد [۷].

به هر حال بدیهی است که امروزه دانش به عنوان یکی از نیروهای بسیار موثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌آید زیرا اولاً فرآیند تولید، تأثیر پذیری زیادی از سطح دانش‌پایگی اقتصاد دارد و ارتقای سطح دانایی می‌تواند مدیریت بنگاه را کارآمدتر کند، روش‌های مرسوم در فرآیند تولید را بهینه نماید، سازمان‌ها و تشکیلات را اثربخش‌تر کند و ارتقای کیفیت محصولات و انطباق بیشتر محصول با نیازها و سلیقه مصرف‌کنندگان را در پی داشته باشد و ثانیاً دانش به‌عنوان یک کالای عمومی محسوب می‌گردد؛ زیرا می‌تواند دانش را بدون کاهش و استهلاک با دیگران به مشارکت گذاشت و این یک مشخصه منحصر به فرد برای این کالای عمومی محسوب می‌شود که برخلاف سایر کالاهای فیزیکی (مثل سرمایه، دارایی‌های مادی و منابع طبیعی) استفاده از آن کمیّت آن را نمی‌کاهد و می‌توان از آن بارها استفاده کرد [۹]. لذا گذشته از اختلاف در مبانی نظری، مباحث اقتصاد دانش در عرصه کاربردی مورد توجه دولتها قرار گرفته و همچنین در عرصه علمی به عنوان یک برنامه علمی پیش‌رونده و جذاب تلقی می‌شود.

۳-۲ مدیریت دانش

یکی از مهمترین ابزارهای مورد استفاده در یک اقتصاد دانش‌بنیان در سطوح خرد (بنگاه)، مدیریت دانش است. مدیریت دانش با ایجاد و توسعه دارایی‌های دانشی یک سازمان و نیز با فرا رفتن از اهداف سازمان مرتبط است و

شده‌است: اقتصادی که به طور مستقیم مبتنی بر تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات باشد. انگلستان اولین کشوری بود که از این مفهوم استقبال کرد و وزارت صنعت و تجارت انگلستان اعلام کرد که آینده رقابتی ما ایجاد اقتصاد تحریک-شونده به وسیله دانش است و متعاقب آن کشورهایی چون استرالیا، کانادا، چین، کره‌جنوبی، رومانی، لیتوانی، ارمنستان، اسکاتلند، فنلاند، نیوزلند، تایلند و ... به صورت مستقل یا به کمک سازمان‌های جهانی (مانند سازمان ملل و...) برنامه‌های خود را برای ورود به این اقتصاد اعلام کرده‌اند. البته نقدهای زیادی به گزارش مذکور وارد شد، از جمله اینکه هم‌اکنون نمی‌توان اقتصادی یافت که به‌طور مستقیم مبتنی بر تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات باشد بلکه دانش نیز بخشی از کل مجموعه اقتصاد را شکل می‌دهد [۷].

اسمیت [۸] در انتقادی که به نگاه‌های سطحی نسبت به اقتصاد دانش محور وارد می‌کند، ادعا می‌کند که می‌توان در این مقوله چهار رویکرد متمایز را تشخیص داد:

- افرادی که معتقدند نقش دانش به عنوان یک ورودی در فعالیت‌های اقتصادی از همیشه مهمتر گشته است. آنچنان که پیتز دراکر می‌گوید دانش در حال تبدیل به یک عامل تولید است که هم نقش سرمایه و هم نقش نیروی کار را بسیار کم رنگ می‌کند.
- گروهی که معتقدند دانش در بعضی از موارد به عنوان یک محصول مهمتر از همیشه شده است.
- دسته‌ای که معتقدند این رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات بوده که محدودیت‌های فیزیکی و هزینه‌ای جمع‌آوری و ارسال اطلاعات را از بین برده است. لذا برای این عده رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات یعنی حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان.
- جمعی که معتقدند دانش کد شده (در مقابل دانش ضمنی^۱) و روند رو به افزایش قابلیت‌ها در کدسازی و

۱- پیرامون تفاوت دانش گذشته و دانش ضمنی باید گفت که دانش کد شده به دانشی گفته می‌شود که قابل انتقال است (مانند دانشی که در کتابی نوشته شده) ولی از آنجا که اغلب بیشتر از آنچه گفته شود می‌توان دانست در کد سازی دانش (یا به اصطلاح نگاهستن آن) همواره جنبه‌های ذهنی وجود دارند که به قول پولانی قابل انتقال نیست یا به قول نوناکا دست‌کم انتقال آن دشوار است. این دانش با دانشی که دانشمندان دارند تا حدی متفاوت است و غالباً از طریق شیوه سنتی استاد-شاگردی و به صورت غیر کلامی منتقل می‌شود اندیشمندان مختلف از این دانش با عناوینی همچون دانش فناورانه، دانش ضمنی و دانش مهندسان یاد می‌کنند. جهت دریافت توضیحات کاملتر به [۷] رجوع شود.

می‌دهد. طبق مطالعه ویر نهضت اصلاح دینی و ظهور مذهب پروتستان که نگاه دینی مثبت به کار دنیایی داشت تأثیرات عمیقی بر توسعه علم و فناوری خصوصاً در هلند و انگلستان داشته است. این تلقی نمونه‌ای از یک نگرش نهادی غیررسمی است و به طور ضمنی تأثیر دین را بر توسعه را نشان می‌دهد [۱۲].^۱ نمونه‌های فراوان دیگری از این دست به صورت نقادانه در کتب جامعه‌شناسی علم بررسی شده است و اصولاً امروزه چنین دغدغه‌هایی محلّ بررسی جامعه‌شناسان علم و فناوری است. جامعه‌شناسی علم یکی از زیر شاخه‌های قدرتمند و نسبتاً جوان جامعه‌شناسی است که با تلاش‌های پیوسته مرتن و شاگردانش حدود چهار دهه است که در آمریکا مشروعیت حرفه‌ای دارد. این رشته علمی تا کنون دو موج را پشت سر گذاشته و در چارچوب کنونی‌اش (که اصطلاحاً جامعه‌شناسی علم- فناوری نامیده می‌شود) بیشتر فرآیندنگر شده است. نظریه ماریچ سه‌گانه ارتباطات صنعت-دولت-دانشگاه^۲ نیز از محصولات این موج جدید شناخته می‌شود [۱۳]. شاید در گذشته برخی جامعه‌شناسان علم و فناوری در برابر تحلیل‌های فرهنگی مقاومت می‌کردند اما هم‌اکنون ویژگی عمده جامعه‌شناسی معرفت جدید، تأکید بر فرهنگ و تحلیل فرهنگی است [۱۴]. به این ترتیب تأثیر قلمرو هنر، مذهب، رسانه‌ها و سایر سپهرهای اجتماعی که در آنها اشکال فرهنگی ثبت شده است [۱۵] بر علم و فناوری در این شاخه مورد بحث قرار می‌گیرد. البته چنین مطالعاتی صرفاً در سطح کلان صورت نمی‌پذیرند و در سطح خرد نیز امکان انجام دارند؛ مثلاً در [۱۶] به پژوهش‌های فراوانی اشاره شده که به مدل‌یابی نقش اخلاق در موفقیت سیستم‌های مدیریت دانش پرداخته‌اند و خودشان نیز با استفاده از مدل‌های ساختاری (تحلیل مسیر) نشان دادند که رابطه بین پارامترها (مولفه‌ها و شاخص‌های) اخلاقی و ابعاد کارکردی (وظایف) فرآیند مدیریت دانش معنی‌دار است و به بیان دیگر بین

مستلزم تمام فعالیت‌هایی است که با شناسایی، تشریح و ایجاد دانش مرتبط هستند. این کار نیازمند سیستم‌هایی جهت ایجاد و نگهداری منابع دانش، پرورش و تسهیل دانش و یادگیری سازمانی است. در این خصوص سازمان‌هایی موفق هستند که دانش را به عنوان یک دارایی می‌نگرند و ارزش‌ها و هنجارهای سازمانی که موجب حمایت از ایجاد و تشریح دانش می‌شود را توسعه می‌دهند. مدیریت دانش به خلق، اشتراک‌گذاری و نفوذ دادن دانش در فکر، ذهن و تخیل افراد می‌پردازد و تلاش می‌کند تا دانش‌های پراکنده شده در افراد سازمان را به گونه‌ای جمع‌آوری و مدیریت کند تا به خلق دانشی جدید منجر شود [۱۰]. مدیریت دانش، انشعابی از ادبیات سازمان یادگیرنده است. یادگیری در سازمان‌ها افراد را ملزم می‌کند که نسبت به انتقال اطلاعاتی که سایر افراد می‌توانند مورد استفاده قرار دهند، اقدام کنند [۱۱].

شاید گرافه نباشد اگر ادعا کنیم مدل نانوکا-تاگوچی مشهورترین مدل مدیریت دانش است. اساس این مدل بر تبدیلات متقابل دانش‌ضمنی و صریح قرار دارد و کارکنان را تشویق می‌کند تا با نگاشتن (کدکردن) و طبقه‌بندی دانش احتمالاً ضمنی خود (که اغلب برآمده از تجربیات فرد است) آن را با سایر همکارانشان به اشتراک بگذارند و از طرف دیگر حین تصمیم‌گیری‌های مهم حتماً به پایگاه مذکور که از دانش همکارانشان شکل گرفته رجوع کنند تا به تصمیم بهینه نزدیک شوند. نوناکا و تاگوچی تأکید می‌کنند که در این فرآیند انسان‌ها نقش محوری دارند و رایانه‌ها فقط ابزارند [۱۰].

۳- تأثیر دین بر الگوی توسعه علم و فناوری؛ نگاهی از دریچه جامعه‌شناسی معرفت

اگر پذیرفتیم که علم از رهگذر فناوری بر رشد جوامع تأثیرگذار است آنگاه دانستن تأثیر آموزه‌های دینی بر فعالیت‌های علمی و فناوریانه اهمیتی مضاعف می‌یابد. ما معتقدیم علاوه بر آنکه آینده مطلوب علم و فناوری تحت تأثیر آموزه‌های دینی قرار می‌گیرد، آموزه‌های دینی می‌توانند بخش نهادی یک نظام نوآوری را به شدت تحت تأثیر قرار دهند. نمونه قابل توجهی در این زمینه را ویر در کتاب مشهور اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری مورد توجه قرار

۱- بگذریم از اینکه بعدها برخی (همچون شومپتر) مدعی شدند که مدتی قبل از انقلاب صنعتی انگلیکان، تحولات مشابهی در ایتالای کاتولیک (میلان، ونیز و فلورانس) آغاز شده بود که با مدعای ویر در تضاد است.

۲- اهمیت این نظریه در مباحث مرتبط با علم دینی (که همسایگی ویژه‌ای با موضوع این نوشتار دارد) آن است که در صورت جانمایی مراکز تولید علم دینی (از قبیل حوزه‌های علمیه) در این رشته‌های به هم‌پیوسته می‌توان یک مدل فرآیندی ارائه داد که خروجی آن علم (و فناوری) دینی باشد و لذا می‌توان اقتصادی را که بر پایه چنین معرفتی مستقر می‌گردد را به اعتبار دینی بودن دانشش، اقتصاد دانش‌بنیان دینی نامید.

• به‌کارگیری دانش: بخش چهارم یک اقتصاد دانش‌پایه، فرآیندهای به‌کارگیری دانش است. گسترش آموزش و تحقیقات علمی محض، به تنهایی برای ارتقای سطح توسعه یافتگی کافی نبوده و پیشرفت علمی و اقتصادی، مستلزم کاربردی شدن دانش پیشرفته در متن زندگی اقتصادی، بویژه در فرآیند جهانی‌شدن، تولید و تجارت است [۹].

بدیهی است که چهار کارکرد فوق باید توسط انسان‌ها به انجام برسد یا مدیریت شود و انسان‌ها برای انجام شایسته این وظایف به یک بستر نهادی برانگیزاننده نیاز دارند.

در حال حاضر بانک جهانی پروژه گسترده‌ای را به نام دانش برای توسعه تعریف کرده است که هدف آن به کار بردن و استفاده از دانش برای کمک به توسعه کشورهای مختلف است. این سازمان بین‌المللی نیز دوره جدید را اقتصاد مبتنی بر دانش نامیده است و در آن سیستم نهادی و اقتصادی مشوق استفاده از دانش و کارآفرینی، یکی از محورهای چهارگانه مورد تأکید است [۷].

به عبارت دیگر از بین انبوه تأثیراتی که دین می‌تواند بر اقتصاد داشته باشد در این نوشتار صرفاً بر نهادهای غیررسمی^۲ به‌عنوان برانگیزاننده عامل انسانی و همچنین نظام‌بخش برخی روابط غیررسمی^۳ در جهت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان متمرکز می‌شود. بدون شک در کشوری که حدود نود و پنج درصد مردم دین مشترکی دارند و قسمت قابل توجهی از این گروه به اعتقادشان پایبندند، استفاده از ظرفیت دین به منظور تشویق دانشگران در چهار کارکرد فوق بسیار مفید است. شهید مطهری در این باب بیان قابل توجهی دارند: پیغمبران برای دو کار آمدند؛ اول اینکه بشر را به مصالح اجتماعی رهنمایی می‌کنند و در ثانی (که این دومی شاید مهمتر است) او را موظف می‌کنند و یک قدرتی بر وجودش مسلط می‌کنند به نام "ایمان" که به حکم این قدرت، آن مصالح اجتماعی را که به حکم وحی یا به حکم عقل و علم، تشخیص داده اجرا کند [۲۱]. پیشرفت علمی، نیز همچون سایر مهمات بشری، احتیاج به نوعی ایمان دارد چون کار علمی علاوه بر شیرینی

مولفه‌هایی مانند اعتماد فردی و گروهی، صداقت، رعایت مالکیت، کمک و همدلی، تعهد، مسئولیت‌پذیری، محرمانگی، وجدان و دقت در صحت از یک طرف و ابعاد کارکردی الگوی عمومی مدیریت دانش که شامل خلق، سازمان‌دهی، انتشار و بکارگیری دانش است، همبستگی وجود دارد. بدیهی است که می‌توان شواهد فراوانی اقامه نمود که اسلام سرفصلهای مبسوطی در جهت هریک از این خصوصیات اخلاقی دارد و تکیه بر این ظرفیت نهادی اسلام می‌تواند برانگیزاننده دانشگران باشد.

۴- بررسی قابلیت‌های اسلام به عنوان تسهیل‌گر نهادی

اقتصاد دانش‌بنیان

در این مقاله به منظور بررسی تأثیرات نهادی اسلام در تحقق اقتصاد دانش‌پایه، یک تعریف عملیاتی^۱ از کارکردهای اساسی این مفهوم ارائه می‌شود تا در سایه تفکیک انجام شده بتوان بحث را منقح‌تر ارائه نمود.

آنچنان که در [۱۷، ۱۸] اشاره شده، چهار کارکرد اصلی یک اقتصاد دانش‌بنیان عبارتند از: تولید دانش، جذب (کسب) دانش، انتشار دانش و به‌کارگیری دانش

- تولید دانش: بخش نخست یک اقتصاد دانش‌پایه، قسمت تولید دانش و فرآیندهای آن است. در این مرحله مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و ...، دانش را تولید می‌کنند. محصول این قسمت اغلب در چارچوب مقالات علمی، امتیازهای ناشی از ثبت اختراعات و امثال ذلک می‌باشد.
- کسب دانش: در قسمت دوم دانش توسط منابع داخلی مانند سازمان‌ها، بنگاه‌های اقتصادی و همچنین دفاتر خدمات فناوری (مانند دفاتر حقوقی فعال در زمینه انتقال دانش و فناوری یا دفاتر خدمات مهندسی) عمدتاً از منابع خارج از کشور کسب می‌شود.
- انتشار دانش: انتشار دانش، قسمت سوم یک اقتصاد دانش‌پایه را تشکیل می‌دهد که عمدتاً به مدد فناوری اطلاعات و ارتباطات صورت می‌گیرد.

۲- مثلاً از جمله نهادهای رسمی مشوق دانش‌پایگی، استحکام نظام حقوق مالکیت فکری (ثبت اختراع ...) است. [۹ و ۲۰] که در این مقاله مدنظر نمی‌باشد

۳- این نهادها از آن جهت غیررسمی نامیده می‌شوند که در قوانین و به صورت رسمی مورد اشاره قرار نمی‌گیرند.

۱- در تحقیقات علوم انسانی اغلب با متغیرهایی روبرو هستیم که انتزاعی بوده و سنجش آنها بسادگی امکان‌پذیر نیست. برای اینکار می‌بایست بین ذهنیت و عینیت پلی زد. گذر از ذهنیت به عینیت که به آن مفهوم سازی یا عملیاتی‌سازی گفته می‌شود که در آن مفاهیم پیچیده را به مولفه‌هایشان تقسیم شود [۱۹].

دشواری هم دارد و فداکاری می‌خواهد و این فداکاری به پشتوانه ایمان است [۲۲].

بارها گفته شده است اغلب فرهنگ سازمانی مسئول نقائص در تسهیم و انتقال دانش در سازمان‌ها (به مثابه واحدهای خردی که در نهایت به اقتصاد کلان دانش‌بنیان شکل می‌دهند) است لذا مدیریت دانش باید وظایف خطیری برای تغییر فرهنگ سازمانی انجام دهد [۵] و صاحبان این سطور معتقدند در جامعه ما، ارشادات مذهبی و کلام معصومین علیهم‌السلام می‌تواند تسهیل‌گر این تغییر مهم باشد. به بیان ساده‌تر و به عنوان تمثیل؛ دین می‌تواند انگیزه لازم را برای به اشتراک‌گذاری دانش بین افراد یک کارخانه فراهم کند. به این ترتیب دانشگران با خداوند متعال معامله می‌نماید و مطمئن هستند که نه تنها دانش‌شان نقصان نمی‌یابد بلکه خداوند آن را مضاعف خواهد نمود (روم: ۳۹)^۱ و روزی‌شان را تکفل نموده. در صورتی‌که در غیاب دین همان افراد ممکن است از دانش و تجربه‌شان به عنوان اهرمی برای چانه‌زنی به منظور نیل به قدرت بیشتر استفاده کنند [۲۳]. البته از این دست مطالب فراوان است که انشاءالله بر مبنای استدلال چند سطر پیش شهید مطهری در باب فلسفه رسالت و در ذیل چهار کارکرد اصلی اقتصاد دانش‌بنیان بیان ارائه خواهد شد.^۲

پیش از ورود به بحث لازم به تذکر است که ظرف دهه‌های اخیر یک برنامه تحقیقاتی تحت عنوان علم دینی، و منابع و روش‌های معتبر شناخت در آن، مورد عنایت اندیشمندان ایرانی و غیر ایرانی بوده است^۳ که مورد توجه نگارندگان این مقاله نمی‌باشد و اصولاً در این مقاله از مباحثی که به ماهیت دانش می‌پردازد خودداری می‌شود.

تولید دانش

اگر آنچه در آیات و اخبار و روایات درباره فضیلت علم و دانش آمده بدون هیچ‌گونه توضیحی کنار هم چید کتاب یا

کتاب‌های بزرگی به وجود خواهد آمد [۲۴] و حتی نویسندگان غیر مسلمان نیز متوجه این ظرفیت بوده‌اند [۲۵].

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده واجب است شخص مومن در هر حالتی (خوشی یا ناخوشی) علم را قصد کند، اگر نفس او پذیرفت که فضیلت است و اگر نپذیرفت به عدالت رفتار کرده است [۲۰]^۴. حضرت امیر(ع) می‌فرمایند: همواره در جستجوی دانش باشید که جستجوی آن واجب است [۲۶]. یا امام صادق(ع) فرمودند دانش را بجوید هرچند در ژرفای دریا فرو روید و خونتان بریزد [۲۶] و همچنین امام صادق(ع) به نقل از پیامبر خدا(ص) فرمودند: کسی که راهی را می‌پیماید که در آن طلب علم می‌شود، خداوند او را به راهی که به بهشت منتهی می‌شود رهنمون می‌کند و ملائک بالهائیشان را برای طالب علمی که راضی به طلب علم است می‌گشایند و کسانی که در آسمان و زمین‌اند حتی ماهی در عبادت‌کننده همچون برتری ماه شب چهارده بر دیگر ستارگان است. علما وارث انبیائند [۲۰]. پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: نزد خدای عزوجل، جستجوی دانش از نماز و روزه و حج و جهاد در راه خدای عز و جل برتر است. لحظه‌ای جستجوی دانش از برخاستن [و عبادت کردن] یک شب بهتر است و یک روز جستجوی دانش بهتر از روزه‌ی سه ماه است [۲۶]. امام باقر(ع) می‌فرماید: هیچ بنده‌ای صبح یا شب در جستجوی دانش نمی‌رود، مگر آنکه غریق رحمت گردد و فرشتگان ندایش دهند: آفرین به زایر خدا، و از همان راه به بهشت درآید و نیز پیامبر خدا فرمودند: هرکس دانش را بجوید، [کوشش او] کفاره گذشته‌اش باشد [۲۶]. همچنین حضرتشان فرموده‌اند: بی‌گمان خداوند متعال روزی جویای دانش را به‌طور ویژه، افزون بر آنچه برای دیگران تضمین کرده، به عهده گرفته است [۲۶].

البته باید به این سوال پاسخ داد که وقتی گفته شده: طلب علم واجب است، منظور کدام علم است؟ بحث تقریباً بیهوده‌ای میان اصناف علمای اسلامی در گرفته که این علمی که فریضه است کدام است؟ به اعتقاد شهید مطهری هر وظیفه‌ای از وظایف اسلامی که نیازمند به علم باشد، همان علم برایش

۱- مَنْ ذَا الَّذِي يُعْرِضُ اللَّهُ قُرْصًا حَسَنًا فَيَضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَبِيرَةً

۲- گرچه با دقت بیشتر می‌توان دریافت که در بیشتر موارد یک روایت، دو یا حتی سه محور از چهار محور مذکور را پوشش می‌دهد. به عنوان مثال در [۲۶] از پیامبر خدا آورده شده که: بر هر اندیشمندی از ائمت، چهارچیز لازم است. گفته شد: ای پیامبر خدا! آنها چیستند؟ فرمود: گوش دادن به دانش و حفظ و انتشار و عمل کردن به آن. همانگونه که مشاهده می‌کنید این حدیث به تنهایی تمامی محورهای مدنظر ما را پوشش می‌دهد.

۳- رک: سوزنچی، حسین [۲۷]، معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۴- احتمالاً منظور این بوده که خیلی بر خود سخت نگیرد.

واجب می‌شود. هر علمی که خودش هدف باشد (مثل اعتقادات که مقدمه یا از شرایط ایمان است) واجب عینی است و هر علمی که بر آوردن هدفی از اهداف جامعه اسلامی متوقف بر آن باشد، (مثل علم پزشکی، علم تجارت، علم نظامی و...) از باب مقدمه واجب، واجب است و البته واجب کفایی است. حدش چیست؟ حد معین ندارد، در هر زمانی به هر حدی که امکان دارد، به همان حد واجب است. یک زمان بر مردم واجب بود "قانون" بوعلی را بخوانند، امروز واجب است که یک چیز دیگر بخوانند، چون بهتر از آن آمده [۲۸]. می‌دانیم که مُعظمی از آنچه جامعه اسلامی امروزه به آن احتیاج دارد برگرفته از تجربه‌است. بدین معنی که اغلب از مشاهدات نظام‌مند یا غیرنظام‌مند وقایع گذشته و تفسیر آن پدید آمده‌اند این تجربیات اعم از علوم تجربی، تجربیات مهندسی، پزشکان و حتی تجربیات آحاد نیروی کار می‌باشد، که ممکن است در صورت عدم اتخاذ سیاست‌های مروج تعلیم و تعلّم تا ابد در سینه آنان محبوس بماند، لذا در روایات ما نیز علوم به دست آمده از تجربیات گذشته به رسمیت شناخته شده و شامل تحسین‌های پیش‌گفته می‌گردد مثلاً امام علی (ع) فرموده‌اند: عقل دو گونه است: عقل طبیعی و عقل تجربی و هر دو سود بخش اند و نیز فرموده‌اند در تجربه‌ها دانشی تازه است و در جای دیگر آورده‌اند؛ تجربه‌ها دانشی قابل استفاده‌اند [۲۶]. البته این به غیر از آیات و روایات فراوانی است که تشویق به عبرت گرفتن از گذشته و گذشتگان نموده‌است.

در ضمن یکی از مواهب اسلام درجهت تولید دانش، پدیدآوردن یک پس‌زمینه ذهنی سازگار با علم است. فیلسوفان رئالیست علم در نقد دیدگاه پوزیتیویست‌ها روشن ساخته‌اند که نه تنها هیچ یک از علوم خالی از پیش‌فرض‌های متافیزیکی نیست، بلکه در عین حال چنین نیست که این پیش‌فرض‌های متافیزیکی از حیث میزان زاینده‌گی و کمک به رشد علمی که در دامن آن‌ها پرورش می‌یابند از یک درجه از توانایی برخوردار باشند. آنان در آثار مختلف نشان داده‌اند که برخی از متافیزیکی‌ها نه تنها کمک چندانی به رشد معرفت علمی نمی‌کنند که حتی می‌توانند موانع جدی در راه رشد آنها

ایجاد کنند. نمونه متافیزیکِ نسبت‌گرایانه هگلی و هایدگری از این حیث مثال زدنی است. پذیرش این نکته از جانب اسلام که جهان به حال خود رها شده نیست و خالقِ هوشمند و مهربان اجزای آن را در کنار هم ترتیب داده، می‌تواند دانشمند را از حیث تلاش برای تولید نظریه‌هایی که به منظور فهم واقعیت ارائه می‌دهد، در موقعیت مناسب‌تری در قیاس با محقق قرار دهد که عالم را تنها به بخش‌های مادی آن فرو می‌کاهد [۲۹]. یا معتقد است که واقعیت‌ها صرفاً در ذهن محقق برساخته می‌شوند. در این راستا باید توجه کرد که اولاً آیات بسیاری از قرآن کریم، (برخلاف مدعای نسبت‌گرایان) بر وجود حقیقت مستقل بیرونی صحه گذاشته و انسان را نیز واجد درک و فهم رازهای خلقت دانسته‌است. (آل‌عمران: ۱۹۰)، (انعام: ۹۷)، (یوسف: ۱۰۸)، (هود: ۱۱۰)، (شوری: ۱۴)، (ملک: ۳ و ۴) و (فاطر: ۲۷ و ۲۸) البته قرآن کریم تصریح می‌کند که حجم کلی دانش از آنچه که برای انسان قابل درک است بسیار بیشتر است. (اسراء: ۸۵) در همین راستا از موسی بن‌جعفر (ع) نقل شده که به یکی از فرزندان فرمود: پسرم عقل شما کوچکتر از آن است که این مطلب را دریابد و وجودت کوچکتر از آن است که آن را حمل کند لیکن اگر زندگی‌ات ادامه یافت می‌توانی آن را دریابی [۲۰]. اشاره به پیش‌فرض‌های ذهنی شیعیان پیرامون سنن الهی نیز در این مقال مفید است. آیت‌الله خامنه‌ای در این باب بیان می‌دارند: در سنن الهی و قوانین آفرینش راه‌های میانبر فراوان است. هنر این است که این راه میانبر را کسی پیدا کند [۲۲]. پُر واضح است این‌گونه متافیزیک و پیش‌فرض‌ها کاملاً سازگار با نوآوری و بلکه مشوق آن است. لازم به اشاره است که بنابر نصوص اسلامی محقق باید شرایط لازم را برای تابیدن نور علم بر سینه‌اش فراهم کند، از رسول خدا نقل شده؛ کلید کسب علم توسل به درگاه الهی، کوتاه کردن آرزوها، مداومت یاد مرگ و حضور در نزد پروردگار است [۲۰] و نیز فرموده‌اند: حقّ دانش آن است که دلت را با پوشاندن لذّت‌ها و راندن شهوت‌ها برای آن فارغ سازی و ذهنت را آماده و گوشت را یاددارنده و هوش را تیز کنی [۲۶]. همچنین از امام نخستین (ع) نقل شده‌است که:

برترین دانش، آن است که در آن اخلاص ورزیده شده است [۲۶]. شاید علت صدور روایات فوق را بتوان در روایتی از امام صادق (ع) جست که فرمودند: علم (تنها) به یادگیری زیاد نیست بلکه نوری است که خداوند متعال بر قلب کسی که اراده هدایت او را کرده، می‌تاباند [۲۰]. آیت‌الله خامنه‌ای در این راستا بیان می‌دارند: نورانیت علم همراه با معنویت هزارها برابر است. علم اگر با هدایت ایمان، عواطف صحیح و معرفت روشن بینانه و آگاهانه همراه شود، معجزات بزرگی می‌آفریند [۲۲] و چه بسا اگر جهان غرب مراعات معنویات را می‌کرد پیشرفتش دوچندان می‌شد.

جذب (کسب) دانش

در این بخش بیشتر جذب دانش از منابع خارج از کشور مدنظر است و پس از ظرفیت تولید دانش در درون کشور مورد توجه قرار می‌گیرد. در حقیقت با انتخاب مرز سیاسی کشورها به عنوان مرز سیستم مورد بررسی، به دنبال بررسی این موضوع هستیم که نسبت اسلام با کسب دانش از سایر ممالک (که عمدتاً اسلامی نیز نیستند) چیست؟ در اینجا و در قدم اول باید دیدگاه صحیحی از ارتباط با کفار داشته باشیم. شهید مطهری در این باب جمع‌بندی جالبی دارند و می‌فرمایند؛ در قرآن توصیه به احسان و محبت به همه مردم، حتی کفار شده، اما تا جایی که این نیکی کردن اثر نیک ببخشد و گرنه آن جا که اثر نیک نبخشد نه تنها نیکی نیست، بلکه در واقع بدی کردن است. لذا قرآن کافران را دو دسته می‌کند و (ممتحنه: ۹ و ۱۰) می‌فرماید: خدا شما را از احسان و رفتار عادلانه با آنهایی که با شما در دین مقابله نکرده‌اند و شما را از دیارتان بیرون نرانده‌اند نهی نکرده، چون خدا عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد بلکه، خداوند فقط شما را از دوستی کسانی نهی کرده که با شما بر سر دین نزاع کرده و شما را از شهرتان بیرون نمودند و در این امر یکدیگر را پشتیبانی کردند، و هر کس آنها را دوست بدارد، پس آنها ستمکارانند. به علاوه، حتی نسبت به کافرانی که با مسلمانان می‌جنگند هم قرآن می‌گوید: نباید به آنها ظلم کنید و از حدود عدالت خارج شوید (مائده: ۸) (بقره: ۱۹۰). اسلام به شدت بر محبت‌هایی که اثر نیک دارد، حتی نسبت به کافران

توصیه کرده است؛ (فصلت: ۳۴) که البته این دستور مخصوص مواردی است که نیکی کردن ما بتواند در آنها تغییری ایجاد کند. خلاصه این که محبت باید از روی خیرخواهی و مصلحت خواهی باشد نه این که کاملاً مطابق میل افراد رفتار کنید که این کار در بسیاری از موارد واقعاً دشمنی است، نه محبت [۲۸]. از نظر اسلام تعامل علمی با کفار نیز قواعد و ضوابط خاص خودش را دارد. از طرفی شهید مطهری بیان می‌دارند که حدود بیست مورد روایت با مضامینی شبیه به این دارید که حکمت را ولو از کافر یا منافق فراگیرید یا به دنبال علم باشید ولو مستلزم سفر به چین باشد [۲۸]. یا اینکه در منابع آمده است که به گفته نگاه کن نه به گوینده، یعنی در دنیای علم، علم را باید جدای از عالم بررسی کرد و از جانب مقابل در توضیحی که بر روی آیه شریفه (عبس: ۲۴) از حضرت باقر(ع) نقل شده است، علم به مثابه طعام انسان انگاشته شده و تحذیر داده شده که انسان دقت کند علمش را از چه کسی فرا می‌گیرد زیرا همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد، متافیزیک و پیش‌فرض‌های ملحدانه یا سکولارِ عالمان، خودآگاه یا ناخودآگاه، در گزارش‌های علمی‌شان وارد می‌شود. بدین ترتیب به نظر می‌رسد جمع بین این دو دسته از روایات چنین باشد که اخذ علم از سایر ملل باید هوشمندانه صورت پذیرد [۲۰]. در این باب اشاره به نظرات رهبر معظم انقلاب نیز خالی از وجه نیست: هیچ ملتی از علوم دیگران بی‌نیاز نیست. استقلال علمی به معنای عدم داد و ستد علمی با دیگران نیست. هم دانش جهان و هم دانش ما متعلق به همه انسانهاست. حتی در اوج پیشرفت علمی هم باید تبادل علمی باشد. استقلال علمی یعنی تبادل یک طرفه نباشد. هم ما تولید علم داشته باشیم و به دیگران بدهیم و هم در عوض آنچه را که خودمان انتخاب می‌کنیم از آنها بگیریم به این ترتیب تماس و ارتباط علمی با هر کشوری، خوب است. تبادل درست علمی این است که ما علم و فن را از دیگران بگیریم و معلومات خود را به آنها بدهیم نه اینکه مانند سابق علم آنها را نگیریم و فرهنگ فاسدشان را بگیریم. در تبادل علمی باید مراقب بود که به نام علم، سیاست و فرهنگشان را به ما تحمیل نکنند و همچنین باید دانست دشمن به راحتی علم و

از داشتن یک سیستم آموزش است و اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست [۲۸]. لذا با توجه موضوعیت نهادهای غیر رسمی در این مقاله تلاش خواهد شد تا برخی از آموزه‌های غیر رسمی شکل‌دهنده نظام تعلیم و تعلم را در اسلام به صورت مُجمل مرور شود. گرچه پیشتر از ما خواجه نصیر طوسی در آداب‌المتعلمین و شهید مطهری در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام به این مهم همت گماشته‌اند:

نخست آنکه در اسلام همنشینی با دانشمندان، عبادت و مایه فزونی [دانش] دانسته شده است [۲۶] و پیرو آن امام حسن(ع) می‌فرمایند هنگامی که نزد دانشمندی می‌نشینم، برای شنیدن حریصتر از گفتن باش و خوب گوش دادن را مانند خوب گفتن یاد بگیر و سخن کسی را قطع مکن [۲۶]. پیامبر خدا (ص) بیان داشتند: دانش، گنجینه و کلید آن پرسش است. پس سوال کنید که به چهارکس پاداش داده می‌شود: پرسشگر و گوینده و شنونده و دوستدار آنها. امام سجاده(ع) فرمودند: از پرسیدن درباره نادانسته‌ها کوتاهی مکن؛ هرچند به دانش نامور شده باشی. امام صادق(ع) فرمودند: مردم به هلاکت می‌رسند؛ زیرا نمی‌پرسند و مجدداً از پیامبر خدا (ص) روایت است: کسی که ساعتی بر خواری فراگرفتن شکیبایی نوزد، همواره در خواری نادانی باقی بماند و همچنین امام علی(ع) بیان می‌دارند: کسی که نفسش را به فراگیری دانش عادت ندهد، گوی سبقت را نریاید. پیامبر خدا (ص) فرموده‌اند: سالمند از اینکه نزد جوان بنشیند و از او دانش آموزد، خجالت نکشد. امام اول(ع): دانشمند هنگامی که نمی‌داند، از فراگرفتن خجالت نکشد [۲۶]. پیامبر (ص): نیکویی پرسش، نیمی از دانش است [۲۶]. امام علی(ع): هان! هرگز آنکه از چیزی پرسیده شد که نمی‌داند، گفتن «نمی‌دانم» را ننگ شمارد... گفتن «نمی‌دانم» نیمی از دانش است [۲۶]. امام صادق(ع) به "عنوان بصری" فرمود: آنچه را نمی‌دانی از دانشمندان بپرس لیکن مبدا که برای به تنگنا انداختن و آزمایش بپرسی. حضرت امیر(ع) نیز فرمود: برای فهمیدن و نه درمانده کردن بپرس که نادان دانشجو مانند دانشمند است و دانشمند بی انصاف مانند نادان آزردهنده است [۲۶].

فناوری به ما نمی‌دهد. وقتی می‌دهد که بدانند ما در درون مستقل از او نیز پیشرفت می‌کنیم [۲۲].

در همین جهت، به عنوان یک مثال نظر ایشان در مورد ارتباط با موسسه اطلاعات علمی (ISI) جالب توجه است که تأکید می‌کنند اولاً ارتباط با این موسسه و امثال آن باید حفظ شود ولی به موازات آن باید یک پایگاه معتبر مشابه بین کشورهای اسلامی تشکیل شود [۲۲].

انتشار دانش (از رهگذر انفاق دانش)

روایات متعددی وجود دارد که انسان‌ها را به تبادل دانش با یکدیگر و آموزش دادن دانش خود به دیگران سفارش نموده است. در همین زمینه محمدی ری‌شهری [۳۰] بخشی از جلد هشتم کتاب میزان‌الحکمه خود را به گردآوری احادیث با موضوع "انفاق کردن علم" اختصاص داده است. به عنوان نمونه امام حسن(ع) می‌فرمایند: دانش خود را به دیگران بیاموز و از دیگران دانش آن‌ها را یاد بگیر، زیرا با این کار هم دانش خود را محکم استوار کرده‌ای (پرورش داده‌ای) و هم آنچه را نمی‌دانسته‌ای آموخته‌ای [۳۱]. از رسول‌الله (ص) وارد شده است که: آدمی در روز رستاخیز می‌آید و با خود کارهای نیکی چون ابرهای انبوه یا کوههای سربه فلک کشیده دارد، پس می‌گوید: پروردگارا! اینها را که من نکرده‌ام، پس از کجایند؟ [خداوند] می‌فرماید: این دانش توست که به مردم آموختی و پس از تو بدان عمل کردند [۲۶]. از امام صادق(ع) نقل می‌کنند که فرمود: کسی که مطلب هدایت‌گری را یاد دهد مانند کسی است که به آن مطلب عمل کرده‌است در حالیکه از پاداش هر یک از آنان چیزی کم نمی‌شود [۲۰]. رسول خدا(ص) فرموده‌اند: بذل دانش به مردم واجب است [۲۶]. در جای دیگر به نقل از حضرتشان آورده‌اند: مردم صدقه‌ای همچون نشر دانش نداده‌اند و در مقام دیگری فرموده‌اند: آموزش دانش، کفاره گناهان بزرگ است [۲۶].

شهید مطهری معتقد است، مکتبی که دارای هدف‌هایی مشخص است و مقررات همه‌جانبه و سیستم‌های حقوقی، اقتصادی و سیاسی دارد، نمی‌تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد؛ یعنی مکتبی که می‌خواهد در مردم طرح‌های خاص اخلاقی، اقتصادی و سیاسی پیاده کند ناچار

رسول مکرّم اسلام(ص) فرمودند: سزاوار نیست که دانشمند از دانش خود خاموش بماند و سزاوار نیست که نادان بر نادانی‌اش ساکت باشد که خداوند می‌فرماید اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید. و امام علی(ع) در تکمیل این بیان گهربار فرمود: خداوند از مردم نادان برای یادگرفتن پیمان نگرفت؛ تا آن‌گاه که از اهل دانش برای یاد دادن پیمان گرفت [۲۶] فراتر از این، مذمت فراوانی از پنهان داشتن دانش شده است که البته برخی معتقدند این شماتت‌ها به صورت خاص شامل کتمان علوم دین است؛ مثلاً رسول اکرم(ص) فرمودند: هرکس از دانشی پرسیده شود و آن را پنهان کند، روز قیامت با لگامی از آتش لگام می‌شود و امام علی(ع) متعاقب این تحذیر فرمودند: دانشمند پنهان‌کننده دانشش، بدترین اهل قیامت است و همه جنبندهگان حتی حشرات کوچک زمین او را نفرین می‌کنند [۲۶]. ناگفته پیداست که دانش نیز نوعی آلت مشترک است که امکان سوءاستفاده از آن وجود دارد. در این باره امام ششمین از مسیح(علیهماالسلام) نقل می‌کند که حکمت را با غیر اهل آن در میان مگذارید که نادانی نموده‌اید و از اهلش باز مدارید که گناه کرده‌اید. باید هر یک از شما چون پزشکِ درمانگر باشد. اگر جایی برای دارویش دید، اقدام و گرنه خودداری کند [۲۶]. امیرالمومنین در وصیت به فرزند ارشدشان(علیهماالسلام) می‌فرمایند: آفرین بر دانشمندی که در کارش جدّیت کند و از شبیخون مرگ بترسد، پس آماده کند و فراهم آورد. اگر پرسیده شود، خیرخواهی کند و اگر رهایش کند، خاموش ماند. سخنش درست و خاموشی‌اش بی‌آنکه از ناتوانی باشد، خود گونه‌ای پاسخ است [۲۸].

و در فرازی دیگر؛ پیامبر(ص) فرمودند: کسی که در خردسالی دانش آموزد، مانند نقش بر سنگ است و کسی که در بزرگسالی دانش آموزد، مانند کسی است که بر آب می‌نگارد. و از نخستین وصیّ آن‌جناب نقل شده آنکه در خردسالی نیاموزد، در بزرگسالی پیش نیفتد. و درنهایت از خود حضرت رسول(ص) روایت شده‌است که بامدادان به جستجوی دانش برخیزید که من از پروردگارم خواستم که بامداد امّتم را مبارک گرداند [۲۸].

با عنایت به این که جدیدترین دستاوردهای فلسفه و جامعه‌شناسی علم حاکی از آن است که تولید و توسعه علم فناوری امری اجتماعی است [۳۲]، فراهم آوردن فضای مساعد برای عالمان و فناوران از اولویت‌های توسعه اقتصاد دانش‌بنیان است و تمجیدهای اسلام از عالمان و متعلمان در راستای همین اجتماعی‌انگاشتن توسعه علم و فناوری است. نبی‌اکرم(ص) فرموده‌اند: هرکس دانشمند را بزرگ بدارد، مرا بزرگ داشته و هرکس مرا بزرگ بدارد، خداوند را بزرگ داشته است و هرکس خداوند را بزرگ بدارد، به سوی بهشت روانه شود [۲۶]. آیت‌الله خامنه‌ای در این‌باره بیان می‌دارند: رسانه‌ها و صداوسیما نباید الگوهای نامناسب را برای جوانان ترویج کنند مانند افراد بی‌علم و هنری که پول دربیابورند و خوش بگذرانند، بلکه باید ارزش علم و دانش و فناوری را الگو و محور قرار دهند. نخبگان باید در رسانه تکریم شوند چرا که آنها قله هستند و جوانان به آنها نگاه می‌کنند و همچنین فرموده‌اند؛ اگر دانشگاه ما، دانشگاه اسلامی است، یکی از بزرگترین مظاهرش باید احترام بیش از حد معمول دنیا به اساتیدش باشد [۲۲]. در روایات ما از عیسی(ع) نقل شده که: سزاوارترین مردم به خدمت، دانشمند است یا امام هفتم(ع) در سفارش به هشام می‌فرمایند: دانشمند را برای دانشش بزرگ بشمار و درگیری با وی را واگذار [۲۶]. البته با آنکه در اسلام به تکریم استاد بسیار سفارش شده ولی این به معنای غفلت از شأن دانشجو و معلم نیست. مجدداً نقلی از مسیح(ع) وجود دارد که برای حواریون خود خوراکی آماده ساخت و چون خوردند، حضرت خود [دستان] ایشان را شُست، آنان گفتند: ای روح خدا! ما از شما سزاوارتریم که آن را انجام دهیم. فرمود: من این کار را کردم تا شما هم برای کسانی که به آنها می‌آموزید انجام دهید [۲۲]. امام علی(ع) فرموده‌اند: به آنکه می‌آموزید و در برابر آنکه از او فرا می‌گیرید، فروتنی کنید و از دانشمندان متکبر مباحثید [۲۲].^۱

۱- اصولاً در نصوص اسلامی به خود سازی، اخلاق نیکو و سایر صفات پسندیده به عنوان آثار علم اشاره گردیده‌است [۳۱]. مثلاً امام صادق(ع) خشوع و فروتنی را میراث علم و معیار سنجش آن دانسته‌اند و می‌فرمایند کسی که فروتن نباشد عالم نیست، هرچند در مباحث علمی موی سپید کرده باشد [۲۰]. یا امام علی(ع) فرمودند: هر اندازه دانش انسان افزون

فضیلت به کارگیری دانش نقل شده به عنوان مثال پیامبر خدا(ص) فرمودند: هر کس بر پایه ای جز دانش رفتار کند، پیش از آن که اصلاح کند، فساد به بار می آورد. یا امیرالمومنین(ع) می‌فرمایند: نادانی هر کاری را به تباهی می‌کشد [۳۵]. امیرالمومنین(ع) می‌فرمایند: در عمل خیری نیست، مگر آنکه همراه دانش باشد و عمل پالایش نیابد، تا آن گاه که دانش درست شود. ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: ای حاملان دانش! به دانش خود عمل کنید که دانا کسی است که به آنچه دانست عمل کرد و عملش با علمش موافق است. بزودی اقوامی بیایند که دانش را بر دوش کشند، ولی از استخوانهای ترقوه شان فراتر نرود. عملشان با علمشان مخالف باشد و باطن آنها با ظاهرشان یکی نباشد. دور هم نشینند و بر همدیگر فخر فروشند، ... اعمال این جماعت در این گونه مجلسها، به سوی خدا بالا نخواهد رفت [۲۶].

حفص بن غیاث به نقل از امام صادق(ع) می‌گوید: در ملکوت آسمان‌ها از کسی که، یاد بگیرد و به علم خود عمل کند و برای خدا به دیگران یاد دهد، به بزرگی یاد می‌شود [۲۰].

امام صادق(علیه‌السلام) در جای دیگر می‌فرماید علم و عمل مقرون با یکدیگرند، پس علم به عمل فرامی‌خواند و اگر اجابت نشد کوچ می‌کند [۳۶]. حضرت امیر(ع) می‌فرمایند: زکات دانش بذل آن به مستحقش و واداشتن نفس در عمل به آن است [۲۶]. پیامبر خدا(ص) فرمودند: روز قیامت هر دانشی وبال دارنده‌اش است؛ مگر کسی که به آن عمل کند [۲۶]. اهمیت به‌کارگیری از دانش تا بدانجاست که حتی می‌تواند موجب زایش علمی گردد زیرا پیامبر خدا فرمود: هر کس به آنچه می‌داند عمل کند خداوند او را وارث آنچه نمی‌داند خواهد گردانید [۳۷].

سرفصل دیگری که به این محور مرتبط می‌شود، علم نافع است که احادیث فراوانی در ستایش آن وارد گردیده‌است از باب نمونه، رسول خدا(ص) فرمودند: بهترین علم، علم نافع است. علم نافع علمی است که در زندگی فردی و اجتماعی بشر مفید باشد و زمینه را برای حل مشکلات فراهم کند. حتی از امیرالمومنین روایت شده: علمی که از آن نفع برده نمی‌شود سزاوار آموختن نیست [۲۰]. آیت‌الله خامنه‌ای در

یکی دیگر از آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترغیب به کد کردن دانش و نیز رجوع به دانش کد شده دیگران است. خداوند متعال در (علق: ۳-۵) می‌فرماید: خدایی که به وسیله قلم آموزش داد و به آدمی آنچه نمی‌دانست را بیاموخت. پیامبر اکرم(ص) در این زمینه فرموده‌اند: « دانش را با کتابت در بند کنید» و همچنین احادیث فراوان دیگری در ترغیب به کتابت وارد شده‌است [۲۶]. بهترین نمونه تشویق به کد کردن دانش و فراهم کردن زمینه بهره‌گیری از دانش کد شده، ماجرای غزوه بدر است که در این غزوه شماری از مشرکان به دست پیامبر اسیر شدند و پیامبر شرط فرمود که هر گاه یکی از مشرکان ده تن از مسلمانان را خواندن و نوشتن بیاموزد، آزاد خواهد شد [۳۳]. همچنین روایت است که پیامبر در شرایط بسته آن زمان، زنان را به خواندن و نوشتن تشویق می‌فرمودند [۳۴].

امروزه یکی از مباحث رایج در پایگاه‌های دانش آن است که این پایگاه‌ها باید صرفاً اطلاعاتی در اختیار هر فرد قرار دهد که ممکن است بدان نیاز داشته باشد تا هم اصول حفاظتی رعایت گردد و هم کاربر بمباران اطلاعاتی نشود و این جهت‌گیری در روایات ما نیز وجود دارد. از معصومین(ع) احادیث متعددی با این مضمون در [۲۰] نقل شده‌است که علم بیش از آن است که بدان احاطه یابید پس بهترینش را کسب کنید.

به‌کارگیری دانش

در فرهنگ آکسفورد، فناوری به معنای به کارگیری شناخت علمی برای مقاصد عملی تعریف شده‌است [۲۰]. لذا آنچه که باید ذیل این بخش جای بگیرد در حقیقت ظرفیت‌های فناورانه اسلام است و نه ظرفیت‌های علمی آن. از آنجا که نگارندگان در یکی از آثار پیشین خود مستقلاً تأملاتی اسلامگرایانه در باب فناوری را عرضه نموده‌اند، مطالب این بخش مختصرتر ارائه می‌گردد. در مجموع باید گفت که اسلام مروج بهره‌گیری از دانش است. از دانش به‌عنوان یکی از پایه‌های توسعه اقتصادی یاد شده [۳۵] و احادیث متعددی در

گردد، توجه وی نسبت به نفس خود، بیشتر گردد و در ریاضت و اصلاح آن، کوشش بیشتری مبذول کند [۳۱].

احتمالاً بدون قصد قربت) باشد، مباح است؛ بجز علوم اسلامی (همانند اصول اعتقادی و ...) که تعلّم آنها برای انگیزه های غیر الهی، در احادیث اسلامی بشدت مورد نکوهش قرار گرفته است [۲۶].

۵- یک گام به جلو

همانطور که در بخش دوم از همین مقاله اشاره شد، قسمت زیادی از توجهات به اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به استفاده از ظرفیت روبه‌رشد فناوری اطلاعات و شبکه به منظور انتقال اطلاعات و تعلیم (به معنای گسترده‌ی کلمه) است. اما استفاده از این ظرفیت ولو به صورت ناخواسته و ناخودآگاه نقصان‌هایی نیز به بار آورده که امروزه از آن به عنوان اینترنت‌زدگی و امثال آن یاد می‌شود. گروهی از محققان نشان داده‌اند که شبکه وب و اینترنت کاملاً بر روی نحوه عمل مغز کاربران اثر می‌گذارد و تعامل نامناسب با این ابزار موجب می‌شود شخص توانایی تمرکز بر موضوعات و قدرت درک استدلال‌های مفصل را از دست بدهد [۶]. اصولاً برخی از فلاسفه‌ی علم معتقدند توسعه دانش‌بنیان از مفاهیمی است که در جوامع غربی و جامعه‌ای مثل ما به درستی شناخته نشده است. میان داده^۱، اطلاعات^۲ و دانش^۳ یا معرفت تفاوت‌های زیادی وجود دارد. آنچه که تحت عنوان جامعه دانش‌بنیان یا دانش‌محور در کشورهای غربی رواج یافته‌است عمدتاً ناظر به بسط فعالیت‌های مربوط به پردازش اطلاعات است. در واقع آنچه در ادبیات غربی دانش‌بنیان نامیده می‌شود در حقیقت اطلاعات‌بنیان یا داده‌بنیان می‌باشد و مقصود آن است که ظرفیت‌های جوامع غربی برای پردازش داده‌ها و اطلاعات به برکت بانک‌های اطلاعاتی بسیار پرحجم و سیستم‌های محاسباتی با قابلیت‌های گسترده، افزایش بسیار زیادی پیدا کرده‌است [۳۸]. صاحبان این سطور را عقیده بر آن است که بسط روحیه پرسشگری، تفکر و نقّادی که مورد عنایت اسلام نیز هست می‌تواند در حرکت از جامعه اطلاعات بنیاد به جامعه دانش‌بنیاد (در معنای دقیق کلمه) مفید باشد و شاید

این باب گفته‌اند: علم با ارزش است و علمی که به توسعه کشور کمک کند با ارزشتر. علم محور و توسعه حقیقی کشور است. البته علم باید ناظر به فناوری باشد [۲۲]. بدیهی است که لزوماً همه علوم نافع نیستند، امام کاظم علیه‌السلام نقل می‌کنند: پیامبر خدا (ص) داخل مسجد شد و دید گروهی بر گرد مردی حلقه زده‌اند. فرمود: چه خبر است؟ گفته شد: علامه‌ای است. فرمود: چه علامه‌ای؟ گفتند: داناترین مردم به نَسَب‌های عرب و وقایع و جنگ‌های جاهلیت و شعرهای عرب. پس پیامبر فرمود: این دانشی است که به آنکه نداند، زیان نمی‌رساند و به آنکه می‌داند سود نمی‌بخشد [۲۶].

پس در مجموع بر اساس منابع اسلامی علم و عمل مکمل و وابسته به یکدیگر می‌باشند و به کار بستن علم بیشترین عامل رشد و توسعه دانش نامیده شده است. از طرف دیگر دانشی که توسط دارنده آن به کار گرفته نشود، همانند گمراهی و رنج و سختی خواهد بود، و هر کس که کاری را بدون دانش و بصیرت انجام دهد به بیراهه خواهد رفت و کار خود را با موفقیت انجام نخواهد داد [۳۱]. در انتها لازم به تذکر مجدد است که دانش همانند هر برساخته دیگر قابل سوءاستفاده نیز هست؛ پیامبر خدا(ص) در این باره می‌فرمایند، هرکس دانش را برای دنیا و احترام مردم و بهره مندی نزد پادشاه فراگیرد، به بابی از آن دست نمی‌یابد؛ جز آنکه به خودبزرگ بینی، دست درازی بر مردم و فریفته شدن به خدا و دوری از دینش، افزوده شود، پس چنین کسی از دانش سود نمی‌برد. از این رو باید باز ایستد و از حجت آوری بر ضدّ خود و پشیمانی و رسوایی روز قیامت دست بکشد [۲۶] و در جای دیگر می‌فرمایند: دانش را فرا نگیرید تا بدان با دانشمندان رقابت کنید و با نادانان بستیزید و مجلس‌ها را به چنگ آورید، که هرکس چنین کند، در آتش است، آتش... بلکه باید آنچه نزد خداست را طلبید که آن دوام دارد و می‌ماند و جز آن نابود می‌شود [۲۶]. البته در همین منبع ذیل توضیحی آورده شده‌است که علمی که در خدمت جامعه اند، تعلّم آنها اگر با قصد قربت و خدمت باشد گاهی واجب و گاهی مستحب و اگر صرفاً برای گذران زندگی و منافع مادی (و

1- Data
2- Information
3- knowledge

بی‌جهت نباشد که چنین جامعه‌ای را حکمت بنیاد نامیده شود. مرور قسمت‌هایی از کتاب تعلیم و تربیت شهید مطهری در این جایگاه شایسته‌است: قبل از هر چیز باید بین دو مسأله تفکیک کرد: یکی مسأله علم و تعلیم است و دوم مسأله پرورش عقل. مسأله علم همان آموزش دادن است. و متعلم فقط فراگیرنده است، اما در تعلیم و پرورش صحیح، کافی نیست که معلم برخی معلومات را در مغز متعلم بریزد، بلکه هدف بالاتر معلم باید پرورش عقل وی باشد؛ یعنی نیروی فکر وی را پرورش و استقلال دهد و قوه ابتکار را در او زنده کند. این تفکیک را امیرالمؤمنین (ع) نیز انجام داده‌اند و در نهج البلاغه می‌فرمایند: علم دو قسم است: یکی علم شنیده شده، (فرا گرفته شده از خارج)، و یکی علمی که از طبیعت انسان سرچشمه می‌گیرد (ناشی از قوه ابتکار) و اگر دومی نباشد اولی هم فایده‌ای ندارد؛ چه بسا عالم‌هایی را مشاهده می‌کنید که مغزشان جاهل است یعنی علی‌رغم این که خیلی اطلاعات دارند، اما اگر کمی از حدود معلوماتش خارج شود، می‌بینید با یک فرد صددرصد عوام و جاهل مواجهید [۲۸].

امام صادق (ع) به نقل از امیرالمؤمنین می‌فرماید: آگاه باشید که خیر و برکتی نیست در علمی که در آن درک و فهم نباشد [۲۰]. در جای دیگر از امیرالمؤمنین (ع) آمده‌است که هرکس در آنچه فراگرفته نیک بیندیشد، دانشش را استوار کرده است و آنچه را نفهمیده بفهمد [۲۶].

اسلام نه تنها همچون ادعای پیروان مسیحیت در مورد دینشان با تعقل مبارزه نکرده، بلکه تایید خود را از عقل خواسته است. در اسلام تفکر، عبادت دانسته شده است در این مکتب ساعتی اندیشیدن از عبادت یک ساله نیکوتر است [۲۴]. آن چه در باب تفکر داریم از آن چه در باب تعلم داریم بیشتر است [۲۸]. از بارزترین صفات عقل این که باید غربالگر و

دارای توانایی جدا کردن سخن راست از باطل، سخن قوی از ضعیف و سخن منطقی از غیر منطقی باشد [۲۸].

در احادیث، جهل غالباً در مقابل عقل است نه در مقابل علم؛ در حدیث آمده: برای بی‌فکری انسان کافی است که هر چه می‌شنود باور و نقل کند. مسأله دیگر که نزدیک به این مطلب است و از (زمر: ۱۸) و بعضی از احادیث استنباط می‌شود مسأله تجزیه و تحلیل کردن یک سخن است. در روایات تعبیر به نقد و انتقاد شده است؛ مثلاً از حضرت مسیح (ع) روایت شده که: حق را هرچند از اهل باطل فرابگیرید ولی باطل را از اهل حق فرانگیرید و اهل نقد و نظر باشید [۲۶ و ۲۸]. بدیهی است که لازمه این امر آشنایی با آراء مختلف صاحب‌نظران می‌باشد که این نیز بسیار مورد توجه اسلام است؛

امام علی (ع) می‌فرماید: هرکس به پیشواز آرای گوناگون برود، لغزشگاهها را بشناسد و هرکس آرای گوناگون را نداند، حیل‌ها وی را درمانده می‌کنند. هان! خردمند کسی است که با اندیشه‌ای درست و نگاهی دوراندیش، از آرای گوناگون استقبال کند. از ایوب نبی (ع) نقل شده است که انسان خطای آموزگارش را نشناسد، تا آنکه اختلاف [و دیگر نظرات] را بشناسد [۲۶].

یکی دیگر از توصیه‌های عقل‌پرور اسلام، توصیه به مقابله با پدیده‌ای است که امروزه از آن به عنوان گروه‌اندیشی^۱ یاد می‌شود. «گروه اندیشی» یک نحوه تفکر است که در آن، اعضای گروه تحت فشار گروهی، آن چنان توافق‌جو می‌شوند که از ارزیابی‌های واقع‌بینانه باز می‌مانند و به یک راه حل، که مورد نظر گروه است، دل می‌بندند و آن را باور می‌کنند [۳۹]. امام هفتم (ع) در ادامه‌ی همان حدیث به هشام می‌فرماید: اگر در دست تو دانه گردویی است ولی همه مردم آن را جواهر پنداشته‌اند این پندار، تو را سود نبخشد همچنین اگر در میان مشت تو، جواهری باشد، لکن مردم آن را گردو قلمداد کرده‌اند در این صورت نیز این پندار، واقعیت را دگرگون نمی‌سازد و زیبایی به تو نمی‌رسد [۲۸].

تأکید رهبری بر ضرورت تقویت روحیه پرسشگری و تحقیق

۱- لازم به ذکر است امام کاظم (ع) در حدیثی خطاب به هشام بن حکم پس از آن که وی را به تعقل و تفکر دعوت می‌کند و در لزوم آن سخن می‌گوید، می‌فرماید: ولی به عقل تنها هم نباید اکتفا کرد؛ عقل را باید با علم توأم کرد. چون عقل یک حالت غریزی و طبیعی دارد که هر کس دارد، ولی علم، عقل را تربیت و تقویت می‌کند، و لذا خداوند در قرآن فرموده: و تلک الامثال نضربها للناس و ما یعقلها الا العالمون؛ یعنی اول باید انسان عالم باشد و مواد خام را فراهم کند و بعد با عقل خود تجزیه و تحلیل کند [۲۸].

۷- پیشنهاد

با توجه به اهمیت دانشجویی در اقتصاد امروز و با عنایت به نقش مهمی که اسلام می‌تواند در برانگیزاندگی دانشجویان در کشور مسلمان ایران داشته باشد پیشنهاد می‌شود ترویج ایده‌ای که در این مقاله به صورت مقدماتی بیان شد توسط واحدهای فرهنگی وزارتخانه‌هایی همچون صنعت، معدن و تجارت، دفاع، نفت و... در بین بنگاه‌های خصوصی و دولتی متبوع‌شان به عنوان یک فعالیت فرهنگی-اقتصادی در دستور کار قرار گیرد. بدیهی است انجام چنین امری بایستی با ملاحظه تمامی ظرفیت‌های کار فرهنگی و حتی‌المقدور خارج از بروکراسی رسمی صورت پذیرد. فی‌المثل استفاده از ظرفیت منابر یا سایر رسانه‌هایی که می‌تواند در گروه‌های هدف مرجعیت داشته باشند در این راستا مطلوب است.

همچنین در این مقاله از بین انبوه تأثیراتی که دین می‌تواند بر اقتصاد داشته باشد ما صرفاً بر نهادهای غیررسمی به عنوان برانگیزاننده عامل انسانی در جهت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان اشاره‌ای گذرا شد تدقیق بیشتر در این مقوله و نیز پرداختن به سایر ظرفیت‌های این چنینی دین اسلام می‌تواند در آینده مورد عنایت پژوهشگران علوم قرآن و حدیث، مدیریت و اقتصاد و حتی فلسفه و حکمت اسلامی باشد.

References

منابع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] باصری، بیژن، اصغری، ندا و کیا، محمد، ۱۳۹۰، "تحلیل تطبیقی نقش مولفه‌های اقتصاد دانش محور بر رشد اقتصادی"، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۶(۴۷)، صص. ۲۹-۱.
- [۳] تولایی، روح‌الله، ۱۳۸۷، "ارائه مدل بومی مستندسازی تجربیات خیرگان در صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران"، مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت، ۲(۵)، صص ۷۸-۵۱.
- [4] Chapra, Mohammad Omar, 2000, *the future of economics, the Islamic foundation*.
- [۵] فایرستون، ژوزف و مک‌الروی، مارک، ۱۳۸۷، مباحث کلیدی در مدیریت دانش جدید، ترجمه: احمد جعفرنژاد و خدیجه سفیری، چاپ اول، تهران، موسسه کتاب مهربان نشر.
- [۶] پایا، علی و کلاتری‌نژاد، رضا، ۱۳۸۹، "ارزیابی فلسفی و دلالت‌های سیاست‌گذارانه تأثیرات چهارمین موج توسعه علمی و فناورانه

و قانع نشدن از لحاظ علمی نیز تقویت‌کننده این محور است [۲۲]. ایشان در جایگاه دیگری می‌فرماید: اینکه پشت سر پیشرفت علوم پیشرفت فکر وجود دارد و اینکه مبدأ تحول ملتها بیش و پیش از آنچه که علم و تجربه باشد فکر و اندیشه است کاملاً حرف درست و اثبات شده‌ای است [۴۰].

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برآیند مطالب فوق‌الذکر نشان می‌دهد که اولاً علی‌رغم برخی چالش‌های نظری در مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصاد امروز با دانش گره خورده‌است و در ثانی ظرفیت‌های اسلام در جهت کارکردهای اساسی اقتصاد دانش‌بنیان، زایدالوصف است. در مطروحات پیشین نشان داده شده است که اقتصاد اسلامی یک اقتصاد دوستدار دانش می‌باشد و در این راستا تشویق‌ها و تجویزهای فراوانی دارد. یکی از مهمترین تأثیرات اسلام بر دانشجویی اقتصادی آن است که قدرتی به نام "ایمان" بر دانشکاران مسلط می‌کنند که به حکم این قدرت، آن مصالح اجتماعی را که به حکم وحی یا به حکم عقل و علم، تشخیص داده‌اند اجرا کنند. چه آنکه کار علمی (چه در حوزه دانش صریح و چه در حوزه دانش ضمنی و چه در تبدیلات متقابل این دو) علاوه بر شیرینی دشواری هم دارد و ایثار می‌خواهد و این ایثار به پشتوانه ایمان است. خوشبختانه با اتکا به این دین الهی می‌توان یک گام به پیش برداشت و ادعا کرد که بسط روحیه پرسشگری، تفکر و نقادی توسط آن می‌تواند در حرکت از جامعه اطلاعات‌بنیان به جامعه دانش‌بنیان (در معنای دقیق کلمه) که می‌توان آن را حکمت-بنیان نیز نامید مفید باشد.

لذا با یک رویکرد نهادگرایانه به اقتصاد و توسعه می‌توان گفت؛ مسلماً همانقدر که پرداختن به بانکداری بدون ربا و امثال ذلک در نیل به اقتصاد اسلامی (به عنوان یک فناوری نرم) مهم است، به همان اندازه نیز استفاده از ظرفیت‌های نهادی اسلام در دانش‌پایگی اقتصاد اهمیت دارد و می‌تواند در دنیای واقعی ارزش آفرین باشد.

- [۲۱] مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، نبوت (مباحث جلسات بحث و انتقاد انجمن اسلامی پزشکان)، چاپ سوم، انتشارات صدرا.
- [۲۲] شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹، منشور فرهنگی انقلاب اسلامی؛ مجموعه موضوعی رهنمودها و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون علم و فناوری، چاپ اول، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- [۲۳] زارعی متین، حسن، ۱۳۸۸، مدیریت رفتار سازمانی پیشرفته، چاپ اول، تهران، انتشارات آگاه.
- [۲۴] ولایتی، علی اکبر، ۱۳۸۹، فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ بیست و ششم، قم، دفتر نشر معارف.
- [25] Lightfoot, M., 2011, *Promoting the Knowledge Economy in the Arab World*, SAGE (open) Publications.
- [۲۶] محمدی‌ری‌شهری، محمد، برنجکار، رضا و مسعودی، عبدالهادی، ۱۳۷۹، علم و حکمت در قرآن و حدیث (۲جلد)، چاپ اول، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- [۲۷] سوزنجی، حسین، ۱۳۸۹، معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- [۲۸] مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ بیست و سوم، انتشارات صدرا.
- [۲۹] پایا، علی، ۱۳۸۶، "ملاحظاتی نقادانه درباره دو مفهوم علم بومی و علم دینی"، حکمت، ۳(۲ و ۳)، صص. ۷۶-۳۹.
- [۳۰] محمدی‌ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۷، میزان الحکمه، جلد ۸، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- [۳۱] تولایی، روح اله، ۱۳۸۹، "تدوین استراتژی دانش در صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی شرکت ملی نفت ایران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع).
- [۳۲] تقوی، مصطفی، ۱۳۸۷، "درآمدی مبنایی و راهبردی بر الگوی اسلامی - ایرانی توسعه علم و فناوری"، روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۴(۵۶)، صص. ۹۸-۷۳.
- [۳۳] محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری، ۱۴۱۰ ق، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، الطبعة الأولى.
- [۳۴] احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، أنساب الأشراف، ۱۳۹۷ ق، تحقیق: محمد باقر المحمودی، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- [۳۵] محمدی‌ری‌شهری، محمد، حسینی، سید رضا و حسینی، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث(۲جلد)، چاپ اول، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- [۳۶] کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، الکافی، جلد ۱، ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۷] مجلسی، علامه محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوارالجامعه لدررالاخبار الاثمه الاظهار(ع)، ج ۴۰، چاپ دوم، بیروت.
- بر فرهنگ و جامعه: ملاحظاتی از دیدگاه عقلانیت نقاد"، فصلنامه سیاست علم و فناوری، (۴)۲، صص. ۵۱-۳۳.
- [۷] سوزنجی کاشانی، ابراهیم، ۱۳۹۰، "اقتصاد دانش‌محور: رویکردها، مبانی و دلالت‌ها"، نامه سیاست علم و فناوری، (۱)۱، صص. ۳۲-۱۹.
- [8] Smith, K., 2002, "What is Knowledge Economy? Knowledge Intensity and Distributed Knowledge Bases", INTECH, Discussion paper series.
- [۹] ناظم‌ان، حمید و اسلامی‌فر، علیرضا، ۱۳۸۹، "اقتصاد دانش بنیان و توسعه پایدار (طراحی و آزمون یک مدل تحلیلی با داده‌های جهانی)", دانش و توسعه، ۱۸(۳۳)، صص. ۲۱۳-۱۸۴.
- [۱۰] ساعدی، مهدی و یزدانی، حمیدرضا، ۱۳۸۸، "ارائه مدل فرآیندی برای پیاده‌سازی مدیریت دانش مبتنی بر یادگیری سازمانی در ایران خودرو: نظریه برخاسته از داده‌ها"، نشریه مدیریت فناوری اطلاعات، (۲)۱، صص. ۸۴-۶۷.
- [۱۱] مینویی، مهرزاد، محمد پورزندی، محمد ابراهیم و نادری، نازنین، ۱۳۸۹، "ارزیابی وضعیت مدیریت دانش بر اساس مدل نوناکا تاکوچی"، حسابداری مدیریت، (۴)۳، صص. ۵۸-۴۹.
- [۱۲] پایا، علی، ۱۳۸۸، "آیا الگوی توسعه ایرانی - اسلامی دست یافتنی است؟"، روش‌شناسی علوم انسانی، (۶۰)۱۵، صص. ۶۰-۳۱.
- [۱۳] قاضی طباطبایی، سید محمود و ودادهیر، ابوعلی، ۱۳۸۶، "جامعه‌شناسی علم فناوری: تاملی بر تحولات اخیر جامعه‌شناسی علم"، نامه علوم اجتماعی، ۳۱، صص. ۱۴۲-۱۲۵.
- [۱۴] ربانی، علی و ماهر، زهرا، ۱۳۹۱، "علم و فرهنگ: تأملی بر مهم‌ترین تحلیل‌های فرهنگی در جامعه‌شناسی علم و فناوری"، تحقیقات فرهنگی ایران، (۱)۵، صص. ۸۷-۶۲.
- [۱۵] توکل، محمد، ۱۳۸۷، "جامعه‌شناسی معرفت و فرهنگ: تنوع یا تغییر نگرش از کلاسیک به جدید"، نامه علوم اجتماعی، ۳۳، صص. ۲۲-۱.
- [۱۶] قاضی نوری، سید سپهر و رضائیان فردوئی، صدیقه، ۱۳۸۹، "مدل‌یابی نقش اخلاق در موفقیت سیستم‌های مدیریت دانش"، فصلنامه سیاست علم و فناوری، (۲)۳، صص. ۸۰-۶۵.
- [۱۷] قاسمیان، سلیمان، ۱۳۹۰، "بررسی شاخص‌های اقتصاد دانش‌پایه در کشور سنگاپور"، نامه سیاست علم و فناوری، (۱)۱، صص. ۷۶-۶۱.
- [18] Economic Development Board, 1999, "Knowledge: The Way Forward, Industry 21 Seminar Proceedings", Singapore: Economic Development Board.
- [۱۹] کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان، ۱۳۸۵، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- [۲۰] حکمت‌نیا، علی اصغر، ۱۳۸۹، مجموعه مطالعات پشتیبان سند تحول راهبردی علم و فناوری کشورمبانی ارزشی و بینشی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

[۴۰] خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰، سخنرانی رهبر معظم انقلاب، نوزدهم مردادماه سال نود در دیدار جمعی از دانشجویان، قابل دسترس در: <http://www.leader.ir/langs/fa/?p=bayanat&id=8444>

[۳۸] پایا، علی، ۱۳۸۹، "نقد و بررسی نقشه جامع علمی کشور"، فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی، ۱۴، صص. ۲۱-۵.
[۳۹] الوانی، سیدمهدی، ۱۳۷۰، "پیامدهای گروه اندیشی در تصمیم‌گیری مدیران"، مجله مطالعات مدیریت، ۳، صص. ۱۸-۱۲.



A study on Islam's Simplification in reaching Knowledge-Based Economy

Amir Ali Saifoddin^{1*}, Amir Hossein Rahbar²

1- Assistant Professor, University of Tehran,
Tehran, Iran

2- Ph.D. student, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

In recent decades a phenomenon named as Knowledge-Based Economy has been centralized by statesmen, economic activists and the academics who are concerned with the progressive studies. This is based upon a deep believe on the importance of knowledge in making an economic value.

The essay will have an institutional view toward economy which investigates the capacities of Islam in the basic functions of knowledge-based economy (especially in informal and cultural institutes). The article has a comparative, analytical and adhocracy approach.

The research concludes that the Islamic economy is a knowledge-friendly economy and it has a lot of encouragements and prescriptions on knowledge and also offers nice guards against cultural difficulties which concerns knowledge management and knowledge-based economy. Fortunately with reliance on Islam, we can have a step forward and claim that the encouragement on questioning, deliberation and criticism produced by Islam could be effective on the transition from the data-based community to the knowledge-based community which could be also named as wisdom-based. So, using the institutional capacities of Islam in having knowledge-based economy is important (such as or more than

banking without-usury) and could be value-making in reality

Keywords: Science, Wisdom, Knowledge Management, Knowledge Based Economy, Islam.

* Corresponding Author: saifoddin@ut.ac.ir